DOI: 10.71793/hoviatshahr.2024.795248

صفحات ۱۸-۵

ارزیابی مولفه‌های کالبدی مساکن حاشیه‌شهر منطبق با سبک‌زندگی مهاجرین*

مهندس فرزانه خوش سیما**، دکتر وحید احمدی***، دکتر هیرو فرکیش****، دکتر تکتم حنایی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶

چکیده

کالبد معماری بیانگر هویت ساکنین می‌باشد. از این‌روی، عامل شکل‌دهنده به مساکن در حاشیه شهر، بازتاب مولفه‌های هویتی مهاجران اســت که سازنده سبک‌زندگی آنهاست. این درحالیست که الگوی مســکن در حاشیه‌شهر، اغلب براساس سبک‌زندگی غالب در جامعه‌شهری است و با نیازهای واقعی مهاجران مطابقت ندارد. بنابراین ارائه مولفه‌های کالبدی مسکن پاسخ مناسبی به انطباق این الگوها با ســبک‌زندگی مهاجران اســت. هدف این پژوهش شناسایی و بررسی میزان ارتباط مولفه‌های کالبدی مسکن با ســبک‌زندگی مهاجرین می‌باشد؛ لذا ابتدا ریزمولفه‌های این دو مبحث با روش تحلیلی-توصیفی استخراج گردید. سپس باروش کیفی و بهره‌گیری از مصاحبه با ۱۱ نفر از متخصصین ارتباط ریزمولفه‌های کالبد مسکن با سبک‌زندگی شناسایی گردید. تحلیل داده‌ها توســط نرم‌افزار MAXQDA انجام شــده است. یافته‌ها نشــان می‌دهد در بعد اجتماعی تاثیر ساختارخانواده و شغل بر سازماندهی‌فضایی و الگوی‌مسکن در بالاترین اولویت می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن است که در بعد فرهنگی تاثیر باورهای مهاجران بر سازماندهی فضایی و تاثیر قومیت بر سازماندهی فضایی و موقعیت مسکن بالاترین اولویت را دارد.

واژه‌های کلیدی

کالبد معماری، مسکن، مهاجران حاشیه‌نشین، سبک زندگی، هویت جامعه مهاجران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان: «راهبردهایی در راستای الگوی مسکن مهاجرین حاشیه‌نشین بر اساس سبک‌زندگی (نمونه موردی: شهرک گلشهر مشهد)» است که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد واحد مشهد در حال انجام است.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: fn.khoshsima@gmail.com

*** استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: vahid.ahmadi@mshdiau.ac.ir

**** استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: hero.farkisch@mshdiau.ac.ir

***** دانشیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: t.hanaee@mshdiau.ac.ir

مقدمه

در طول تاریخ، مسکن با توجه به علم و فناوری روز و نیز مطابق با نیازها و باورهای ساکنان شکل گرفته است. در مراحل اولیه تمدن بشری، افراد از سرپناه به‌عنوان مسکن استفاده می‌کرده‌اند ولی با گذشت زمان کالبد این مسکن پاسخگوی شیوه سکونت آنها نبوده است. لذا آنها محل زندگی خود را به خانه هایی برای زندگی مناسب‌تر تغییر دادند (Chandra et al., 2020, 2). همانطور که بیان شد، انسان در طول زندگی خود ممکن است محل سکونتش را با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و گاه به علت تغییرات ساختار خانواده تغییر دهد (زارع شهامتی و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۰)؛ بنابراین پاسخگویی به سبک زندگی[1] افراد در کالبد مسکن اهمیت دو چندان پیدا می کند. لذا ضروریست سبک‌زندگی با شناسایی ارزش‌ها و نیازهای درونی افراد (Brivio et al., 2023, 4)، نقشه راهی جهت دستیابی به کالبد مسکن مناسب برای ساکنان ارائه دهد.

کالبد مساکن حاشیه‌شهر بیشتر از آنکه ناشی از سبک‌زندگی مهاجران باشد، متغیری وابسته به سلیقه معمار و یا ضرورتی برمبنای ضوابط مهندسی است. عدم درنظر گرفتن سبک‌زندگی مهاجران توسط معماران و برنامه‌ریزان شهری باعث شده که مساکن حاشیه شهر از نیازهای مهاجران فاصله داشته باشد، چنان‌که مهاجران برای رفع نیازهای خود مجبور به ایجاد تغییراتی در کالبد مسکن هستند. این تغییرات متاثر از سبک زندگی، ارتباط نزدیکی با هویت افراد دارد. گیدنز[2]، سبک‌زندگی مهاجران حاشیه نشین را به‌عنوان بازتابی از هویت فرهنگی آنها، که شامل آداب و رسوم، دین و مذهب، نژاد و قومیت می‌شود، تعریف کرد (Giddens et al., 2021). هویت‌های فرهنگی، شیوه‌ای از بودن را به ما می‌آموزند و از آنجایی که ما اغلب از بدو تولد بخشی از آنها هستیم، کمترین تغییر را در بین سایر ابعاد هویتی (فردی و اجتماعی) دارند (Minneapolis, 2016, 376).

تاجفل[3] در سال ۱۹۸۵ با بیان «نظریه هویت اجتماعی» به تکمیل مطالعات پیرامون سبک زندگی مهاجرین پرداخت. او هویت مهاجرین را ویژگی‌های درونی و فردی آنها تلقی نمی‌کند بلکه معتقد است ویژگی‌ها و تجربیاتی که آنها با سایر گروه‌ها به اشتراک می‌گذارند، هویت آنها را شکل می‌دهد (Verkuyten et al., 2019, 392-393). البته او معتقد است که فرد مهاجر دارای هویت فردی نیز می‌باشد که این هویت، باعث منحصر شدن فرد می‌شود. مشخصات فردی از جمله نام کوچک، نام قبیله و غیره اجزای سازنده این هویت هستند (Amit & Dolberg, 2023, 2). بنابراین سبک زندگی مهاجرین در حاشیه شهرها، بازتابی از هویت آنها بوده که متاثر از زمان و مکان است و تاثیری متقابل بر روی کالبد مسکن دارد. شکل ۱ تأثیر کالبد معماری از برآیند این سطوح را نشان می‌دهد.

با توجه به موارد بیان شده؛ ارتباطی متقابل میان سبک زندگی و کالبد مسکن وجود دارد. در دیدگاه اجتماعی، هویت افراد با میزان تشابهات و تمایزات آنها با گروه و جامعه سنجیده می‌شود و با تاثیرپذیری از جامعه در کالبد مسکن نمود می‌یابد. در حالی که در دیدگاه فرهنگی، هویت نه یک ویژگی گروهی و ظاهری بلکه ذات افراد تلقی شده است. بنابراین کمترین تاثیر را از جامعه می‌گیرد و بیشتر به پاسخگویی نیازهای فطری ساکنان در کالبد مسکن می‌پردازد. هدف پژوهش شناسایی و بررسی میزان ارتباط مولفه‌های کالبدی مسکن با سبک زندگی مهاجرین می‌باشد. بررسی ارتباط میان مولفه‌های کالبدی در سازماندهی مسکن با توجه به پاسخگویی به سبک زندگی مهاجرین و همچنین توجه به لایه‌های هویتی در تبیین سبک زندگی آنها از موارد جدید قابل طرح در این پژوهش می باشد تا در نهایت بتوند مسکنی را ارائه دهد که با توجه به سبک زندگی و متاثر از هویت توامان عیان و پنهان مهاجرین است. بنابراین درک ارتباط میان هویت مهاجرین حاشیه نشین با کالبد معماری، بخشی از درک نسبت سبک زندگی آنها با کالبد معماری است. شکل ۲ تصویری از این رابطه است.

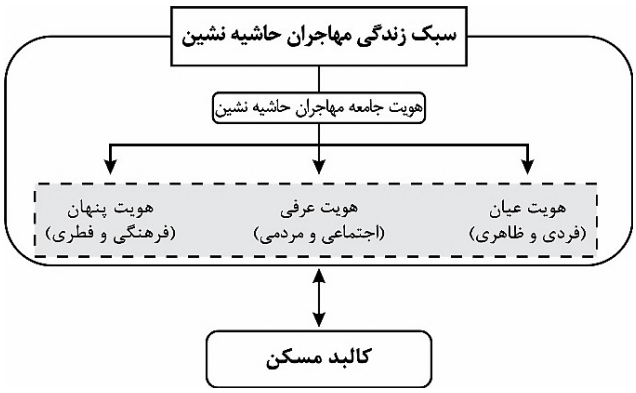

شکل ۱. ارتباط سبک زندگی و کالبد مسکن با درنظر گرفتن سطوح هویتی مهاجران

Figure 1. The relationship between lifestyle and physical housing considering the identity levels of immigrants

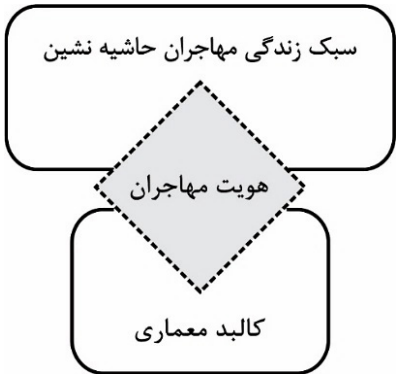

شکل ۲. رابطه میان سبک زندگی مهاجران حاشیه نشین با کالبد معماری از طریق حلقه مشترک هویت مهاجران

Figure 2. The relationship between the lifestyle of marginalized immigrants and physical architecture through the common link of immigrants identity

با توجه به تاثیرپذیری کالبد معماری از لایه‌های سبک زندگی، این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که عوامل تاثیرگذار بر مولفه‌های مسکن بر اساس سبک زندگی مهاجرین حاشیه نشین کدامند؟ فرآیند پژوهش شامل سه بخش در راستای پاسخ‌دهی به سوال فوق می‌باشد. بخش اول به جمع‌آوری پیشینه موضوع با استفاده از روش کتابخانه‌ای پرداخته است. بخش دوم تحلیل داده ها و چگونگی دستیابی به عوامل موثر بر کالبد مسکن و سبک زندگی است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته است. در بخش پایانی و بر اساس هدف این پژوهش، تعیین ارتباط مولفه های کالبدی با سبک زندگی مهاجرین حاشیه نشین می باشد که از طریق مطالعات میدانی، توسط مصاحبه با متخصصین حوزه معماری و جامعه‌شناسی ارائه گردیده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع اصلی پژوهش حاضر، دو مولفه کالبد مسکن و سبک زندگی مهاجرین از دو شاخه علمی مختلف در مطالعات صورت گرفته توسط دیگر پژوهشگران و نظریه پردازان مطالعه شد. نظریات مطرح شده نشان‌دهنده آن است که این دو موضوع هم‌راستا با هم بوده و هر دو برای یک هدف مرتبط مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما میزان ارتباط و تاثیر هریک از دو مولفه مطرح شده بصورت جداگانه کم‌رنگ‌تر بیان شده‌اند.

کالبد مسکن در حاشیه شهر

طراحی کالبدمسکن درمعماری،مولفه‌های متفاوتی رابرای حاشیه‌نشینان ارائه می دهد که شامل سازگاری با شرایط فردی و خانوادگی آنها بوده و در نهایت موجب رضایت‌مندی حاشیه نشینان از مسکن می‌شود. به منظور جلوگیری از نارضایتی سکونتی باید نیازها و ترجیحات ساکنان در فرآیند طراحی در نظر گرفته شود (Jansen, 2020, 213-214). نظرسنجی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که ترجیحات کالبدی مسکن در میان گروه‌های جمعیتی حاشیه‌نشین با یکدیگر یکسان و سازگار است (Bogorad et al., 2016 , 28). رحیمی و عزیزی در پژوهشی (۱۳۹۶)؛ ذکر کرده‌اند که مساکن در حاشیه‌شهرها ماهیتا بر پایه‌ی شکل‌گیری سریع و فقر نسبی مهاجرین هستند که با توجه به حداقل بودن خواسته‌های ساکنین باید کیفیت قابل قبولی داشته باشند. راه‌های دسترسی به این کیفیت، سطح زیربنا، اسکلت ابنیه و پوشش ابنیه‌ای معرفی شده‌اند (رحیمی و عزیزی، ۱۳۹۶).

موریسون و مک موری (۱۹۹۹)؛ معتقدند که افراد در سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر به دنبال مساکن تک‌واحدی هستند تا یک فرم مسکونی کاملا جدید (Morrison & McMurray, 1999, 1). جانسن (۲۰۲۰)، با استفاده از مصاحبه‌ها به بیان مولفه‌های کالبدی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که اکثر پاسخ‌دهندگان، خانه مسکونی تک‌خانواری، ترجیحا نیمه مجزا، با ۴ تا ۵ اتاق و با حیاط را ترجیح داده‌اند (Jansen, 2020, 224). در پژوهش مروری (خورسندی و همکاران، ۱۳۹۸)، هریک از پارامترهای کالبدی مسکن از دیدگاه محققان جمع‌آوری و دسته‌بندی گردیده است که شامل اسکلت ساختمانی، کیفیت ساختمان (نوساز، قابل استفاده، تخریب) (Beamish et al., 2015)، دسترسی به امکانات، نحوه تصرف (Beamish et al., 2015)، الگوی مسکن (تک‌واحدی، آپارتمانی و غیره) (Jayasudha & Nisha, 2016)، تراکم ساختمانی و مصالح می‌باشد.

در پژوهش مروری دیگر، مولفه‌های کالبدی مسکن به سه دسته تقسیم شده است. این سه دسته، مولفه های فضایی (ابعاد فضا، تعداد فضا، سازماندهی فضایی، فضای عمومی و خصوصی، چیدمان مبلمان، انعطاف پذیری، امکانات)، مولفه های شکلی (نوع و الگوی مسکن، سبک معماری، مصالح) و مولفه های موقعیتی (مکان مسکن) معرفی شده‌اند (Zarrabi et al., 2021).

سبک زندگی مهاجرین

سبک زندگی برای اولین بار در اواسط قرن هجدهم توسط ژرژ لوئیس دو بوفون[۴] (۱۷۸۸-۱۷۰۷) بیان شد. وی سبک زندگی را «خود فرد» تعریف کرد (Buffon, 1872). تا قبل از سال ۱۹۲۲ سبک زندگی تنها از طریق طبقه اجتماعی هر خانواده تعریف می‌شد (زارع شهامتی و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۱). از سال ۱۹۲۹ طبق تعریف آدلر[۵]، سبک زندگی برگرفته از منش شخصی افراد بوده است (فدایی، ۱۳۹۵، ۶۵). با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۰، اقتصاد بین المللی دگرگون شد و مصرف بیش از تولید اهمیت یافت (بایگانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۶). در همین راستا سبک زندگی در دهه ۱۹۸۰ مفهوم جدیدی یافت که در آن رفتار مصرف‌کننده مورد بررسی قرار می‌گرفت. در حالی که در سال ۱۹۹۱، اندیشمندان پذیرفتند که «خود» یا «هویت» فرد با کمک افراد دیگر جامعه شکل می‌گیرد و سبک زندگی آنها را می‌سازد (Wilska, 2002, 195). پست مدرن‌ها (۱۹۹۱)؛ در تکمیل این دیدگاه، شکل‌گیری هویت یک فرد را فرآیندی مادام العمر دانسته که نیازمند بازسازی و ارزیابی مجدد بی پایان است (Featherston, 1991, 65-78).

هویت افراد به عنوان نوشدارویی برای مقابله با مشکلات رابطه میان کالبد و مردم می‌باشد (Peng et al., 2020, 14). این در حالی است که هویت مهاجرین به عنوان عامل تاثیرگذار بر سبک زندگی آنها، ثابت نبوده و در عین حال که وی دستخوش تغییرات هویتی می‌شود، این تغییرات را نیز می‌پذیرد تا نیازهای حال حاضرشان را برآورده کنند (Cormos, 2022). این همسان‌سازی هویتی و ادغام اجتماعی منجر به رضایت‌مندی آنها از زندگی می‌شود (Chen et al., 2020). دیبا معتقد است که وضعیت آشفته کنونی معماری ایران، عدم تأکید کافی به ارتباط هویت و معماری است (غروی الخوانساری، ۱۴۰۰، ۶۵). صاحبنظران تلقی‌های متفاوتی از هویت معماری دارند. اردلان، هویت معماری را اتصال به عالم ملکوت می‌داند. الکساندر اما؛ هویت معماری را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی نام در بناها دانسته است (زرافشانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۷).

کولن (۲۰۰۴)، مولفه‌های سبک زندگی ساکنان در حومه شهر را ارائه کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی وی، ساختار خانواده، روابط اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها، سبک زندگی مهاجرین را تشکیل می دهند (Awadelkarim, 2022; Coolen & Ozaki, 2004). بر این مبنا فرهنگ عامل مهمی در سبک زندگی افراد است (KELLY, 2021; UYAR & GRIFFITHS, 2017) چراکه تعیین کننده هنجارها و ارزش‌ها می‌باشد. شصتی و همکاران (۱۳۹۶)؛ معتقدند که هویت و مصرف فرهنگی به هم پیوند خورده است (نورائی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۲). در پژوهش مروری دیگر، مولفه‌های سبک زندگی علاوه بر مولفه فرهنگ (ارزش‌ها، فعالیت‌های فرهنگی)، مولفه‌های رفتاری (فعالیت‌های عادتی، اوقات فراغت)، مولفه‌های ایدئولوژیکی (مذهب، نگرش، باور)، مولفه‌های اجتماعی (طبقه، ارتباطات، فردگرایی)، مولفه‌های جمعیتی (ساختار خانواده، جنسیت، سن، کار، تحصیلات)، مولفه‌های اقتصادی (درآمد، رفاه، مالکیت، تولید و مصرف، تکنولوژی) و مولفه‌های روانشناسی (نیازها، حس تعلق، انگیزه) معرفی شده است (Zarrabi et al., 2021). همانطور که بیان شد قریب به اتفاق محققان معاصر در مورد نقش سبک زندگی بر کالبد مسکن، به موارد گوناگونی اشاره داشته‌اند که بطورخاص در جامعه ایران، به نادیده گرفتن هویت افراد اشاره شده است. این امر در سبک زندگی مهاجرین که ارزش‌هایی متفاوت با جامعه مقصد دارند، اهمیتی دو چندان دارد. ارتباط کالبد مسکن و سبک زندگی مهاجرین حاشیه نشین (در چهارچوب نظری صاحبنظران اجتماعی).

سبک‌زندگی به دلایل متعددی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سازماندهی کالبد مسکن داشته باشد. مهاجرین بر اساس رفتار و عادات مختلف، خواسته‌های متنوعی را از مسکن دارند و بر این اساس از توان متفاوتی برای برآوردن اهداف و خواسته‌هایشان برخوردارند (شولتز به نقل از اسمی جوشقانی، ۱۳۹۹، ۴۲-۴۱). گیدنز (۱۹۹۱)؛ مجموع این عادات و روال‌ها را هویت اجتماعی فرد نامیده است که قابل تغییر بوده و منجر به ایجاد سبک زندگی متمایز و به تبع آن تغییر کالبد مسکن می‌شود (Brivio et al., 2023, 4). از دیدگاه زیمل[۶] (۱۹۵۷و۱۹۹۱) یکی دیگر از عوامل موثر در تمایز میان افراد، نوع مصرف است (آتشین صدف و خیری، ۱۳۹۹، ۵۶). به‌طوری‌که پول در کنار عادات می‌تواند نوع مصرف افراد را تغییر دهد (Simmel, 2020 - De. Haas, 2021, 5) و افراد را به مصرف کالاها و خدماتی سوق می‌دهد که مورد قبول جامعه است. تاثیر نوع مصرف به عنوان عاملی موثر در تعیین سبک زندگی افراد توسط وبلن[۷] (۱۸۹۹)، سوبل[۸] (۱۹۸۳) (Niazi et al., 2019) و چنی[۹] (۲۰۰۲) نیز مطرح شده است (Varmaghani & Soltanzadeh, 2020). در این راستا چاپین[۱۰] (۱۹۲۷-۱۹۲۶)، انعکاس نوع مصرف، عادات فرهنگی و دارایی‌های مادی خانواده را در مقیاس اتاق نشیمن و لوازمی که در این اتاق وجود دارد، معرفی کرده است (اله دادی و گودرزی، ۱۳۹۸).

بوردیو[۱۱] (۱۹۷۷)؛ عادات را مجموعه‌ای از الگوهای اکتسابی فکر، رفتار و ذائقه را توصیف می‌کند که سازنده سبک‌زندگی افراد است (OZTURK, 2020). او در پایان‌نامه دکتری ژان بودریار (۱۹۶۸)؛ ساختارهای چیدمان اثاثیه را شاخصه شکل‌دهنده عادات و سلیقه در

حوزه اشیا خانگی دانسته است (ایازی و همکاران، ۱۳۹۹). پارسونز[۱۲] و کاستلز[۱۳] (۱۹۹۶)؛ تغییر و نوع چیدمان اثاثیه را منطبق با استفاده از فناوری نوین و تکنولوژی اطلاعات دانسته‌اند (Kirtiklis, 2017, 72). به این صورت که در مسکن، فناوری جدید در اثاثیه خانه مانند: ماشین، یخچال، ماشین لباسشویی، تلویزیون و غیره کارکرد خانوار را آسان‌تر می‌کند و منجر به ایجاد طبقات مختلف در جامعه می‌شود (Ormerod, 2020). دراین‌صورت فرد مهاجر سعی در مشابه کردن مسکن خود با مسکن افراد هم‌طبقه خود دارد. نمود طبقه اجتماعی در مساکن حاشیه‌شهر را می‌توان در مدل منطقه متحدالمرکز برگس[۱۴] (۱۹۳۰) مشاهده کرد. طبق این مدل، حاشیه شهرها، متشکل از مناطق مختلفی است که هر منطقه، ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و افراد بنا بر طبقه خود، در مناطق مختلف قرار می‌گیرند (Antunano, 2020, 111&119).

تاجفل (۱۹۸۵)، در مخالفت با سرشت نمایشی طبقه اجتماعی مهاجرین حاشیه نشین، ریشه سبک زندگی را در هویت اجتماعی آنها دانسته است (Malecka et al., 2022, 2). هاگ[۱۵]، اعضای خانواده، نوع خانواده و گروه‌های خویشاوندی را به عنوان هویت اجتماعی مهاجران معرفی کرده است (Carling et al, 2020, 8). تغییرات در ساختار خانواده با تغییر یکسان و معادل در سازمان فضایی خانه همراه است. به‌طوری که با افزایش فردگرایی در خانواده ها، سازماندهی فضاهای خانه نیز تغییر کرده تا فضاهای شخصی ایجاد شود و از تداوم و سیال بودن فضاها کاسته شود (Hojat & Fallah, 2018). مولفه‌های کالبد مسکن در حاشیه شهرها و سبک زندگی مهاجرین به وسیله مرور سیستماتیک از ادبیات موضوع و چهارچوب فکری صاحبنظران اجتماعی استخراج شده و در شکل ۳ آمده است.

چنان‌که در شکل ۳ بیان شده است، تجمیع مطالعات انجام شده با دیدگاه نظریه پردازان اجتماعی حاکی از آن است که موثرترین عوامل در سازماندهی کالبد مسکن حاشیه‌نشینان شامل سه حوزه داخلی، فرمی و محله‌ای می‌باشد که عوامل رفتاری و دموگرافیک در حوزه اجتماعی سبک‌زندگی باعث ایجاد تغییر در آن می‌شود. سبک‌زندگی مهاجران در این حوزه، می‌تواند با گذشت زمان و مواجهه با اعمال و سبک زندگی میزبان، تغییر کند. چراکه پذیرش سبک‌زندگی میزبان توسط مهاجرین حاشیه نشین، شرط مورد قبول قرار گرفتن آنان در جامعه است.

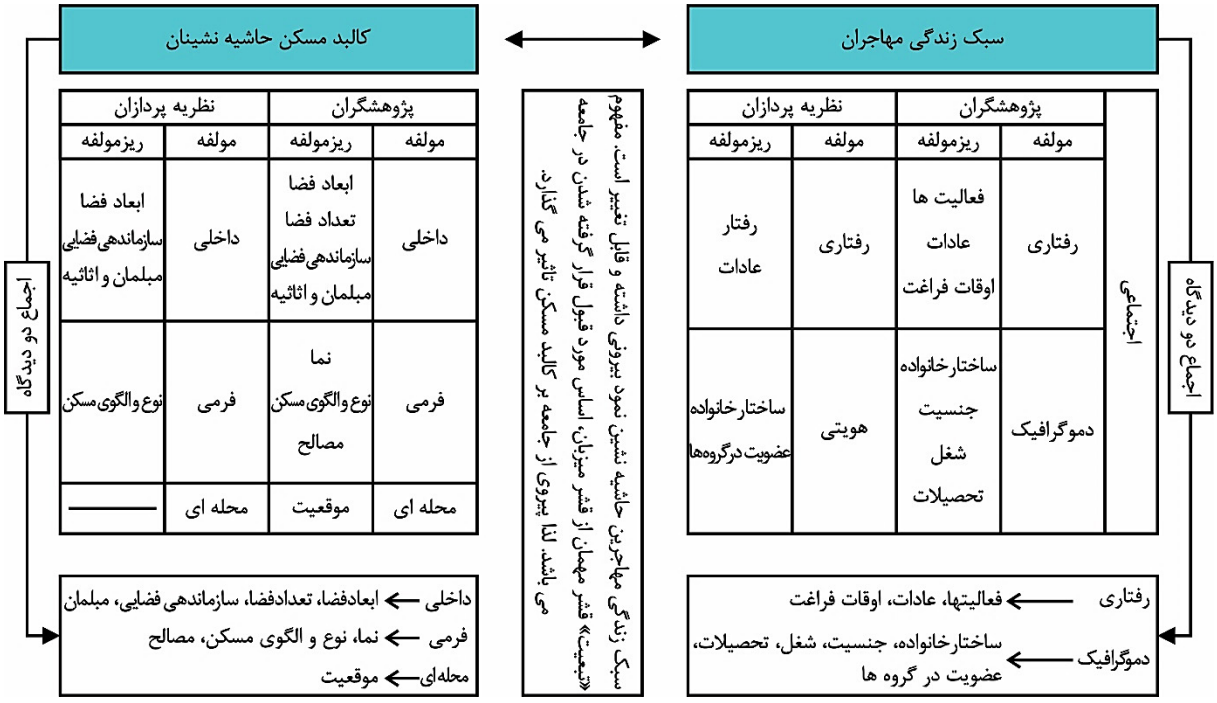

شکل ۳. مولفه‌های کالبد مسکن و سبک زندگی مهاجرین برآمده از ادبیات موضوع و چهارچوب فکری صاحبنظران اجتماعی

Figure 3. The components of physical housing and lifestyle of immigrants based on the literature and the opinion of social experts

ارتباط کالبد مسکن و سبک زندگی مهاجرین حاشیه نشین (در چهارچوب نظری صاحبنظران فرهنگی)

سبک‌زندگی مهاجرین منجر به تاثیرات متفاوتی بر کالبد مسکن شده است. پوردیهیمی در سال ۱۳۹۲، این تاثیرات را به دو حوزه ابعاد فضایی و سازماندهی‌فضایی تقسیم کرده است (افشاری و پوردیهیمی، ۹۵۱۳). از نظر او در حوزه کیفیت کالبدی مسکن، ارتباط تنگاتنگی میان نیازها و ارزش‌های مهاجرین با قومیت‌های متفاوت وجود دارد (Mehri et al., 2020, 49-50). در اندیشه گیدنز (۱۹۹۱)، قومیت‌ها، آداب و رسوم و آیین‌های دینی از عوامل سازنده سبک زندگی افراد هستند (گیدنز، ۱۳۹۸) که ساختار مساکن حاشیه شهر، بخشی از اقتضای آنها است (BATU et al., 2023, 105). در واقع الگوی مسکن هر فرد مهاجر حول ارزش‌های درونی و فطری فرد که غیرقابل تغییرند، در حال گردش است. بنا به نظر کلینارد[16] (۱۹۶۶) نیز، الگوی مسکن هر فرد مهاجر ساکن در حاشیه‌شهر در ارتباط با فرهنگ‌های مختلف، ارزش‌ها و هنجارهای آنها است (bahmani et al., 2019, 95). همچنین بحث «مسکن خودیار»[17] در حاشیه‌شهرها که توسط ترنر[18] (۱۹۵۰-۱۹۶۰) بیان شد، این موضوع را تبیین می‌کند که در حاشیه‌شهرها نیازهای مهاجرین متنوع و ارزش‌های هر خانوار متفاوت است. از این‌رو، ایجاد مساکن یکدست برای همگان امکان‌پذیر نیست (Pasta, 2020). راپاپورت[19] (۱۹۶۹)؛ ارتباط کالبد مسکن و فرهنگ را در بررسی ارزش‌های ذاتی، سبک زندگی و فعالیت‌های افراد جستجو می‌کند (Jafaria & Zabihi, 2021). بنابراین، سبک زندگی به عنوان زیرمجموعه‌ای از فرهنگ می‌تواند مستقیما بر شکل و نوع خانه تاثیر بگذارند (Shafipour Yourdshahi et al., 2023, 107-108). در این راستا لوئیس[20] (۱۹۶۰)، با مطالعه فقر فرهنگ در حاشیه شهر، بیان کرد که فقر فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای متفاوت در میان مهاجرین و طبقه پایین است که در میان آنها نوعی خرده فرهنگ متفاوت با جامعه را شکل می‌دهد (Kurtz, 2014, 331). در چنین شرایطی رابرت پارک[21]، فرد حاشیه‌ای را توصیف می‌کند که در تلاش برای ادغام دو فرهنگ متمایز است اما کاملا متعلق به هیچ کدام نیست و معمولا فرد مهاجر از ارزش‌های خود روی برگردان نیست مگر بصورت نمایشی و ظاهری (Iskander & B Landau, 2022, 101). تناظر معماری این وضعیت، در ایجاد مساکنی با فضاها و الگوهای متفاوت پدیدار می‌شود. کنت[22] (۱۹۹۰)، بر تعامل پیچیده میان فرهنگ و سازمان فضایی تمرکز دارد. او مجموع باورها، ادراک، ارزش ها، هنجارها و رفتارهای مشترک جامعه را فرهنگ خوانده است و معتقد است هر فرهنگ به عملکردها و سازمان‌های فضایی خاص خود منجر شوند. بنابراین اشکال آرایش فضایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و به نیازهای فرهنگی-اجتماعی یک فرهنگ خاص بستگی دارد (A. M. Al Husban et al., 2021). در این راستا؛ دورکیم[23] (۱۸۹۷) نظریه آنومی فرهنگی را بیان کرده است که حاصل عدم موفقیت در تشخیص نیازهای حاصل از هویت فرهنگی مهاجرین است (رشیدی طاشکوئی، ۱۳۹۸). فولر و والر[24] (۱۹۳۶) در تکمیل دیدگاه دورکیم، نظریه تضاد را بیان کرده‌اند. آنها معتقدند که مشکلات اجتماعی حاشیه شهر، ناشی از تضاد ارزش‌ها در جامعه مدرن است (توسلی و نورمرادی، ۱۳۹۱، ۶۹). شکل ۴، نشان‌دهنده مولفه‌های کالبد مسکن در حاشیه شهرها و سبک زندگی مهاجرین بدست آمده از ادبیات موضوع و چهارچوب فکری صاحبنظران فرهنگی را نشان می‌دهد.

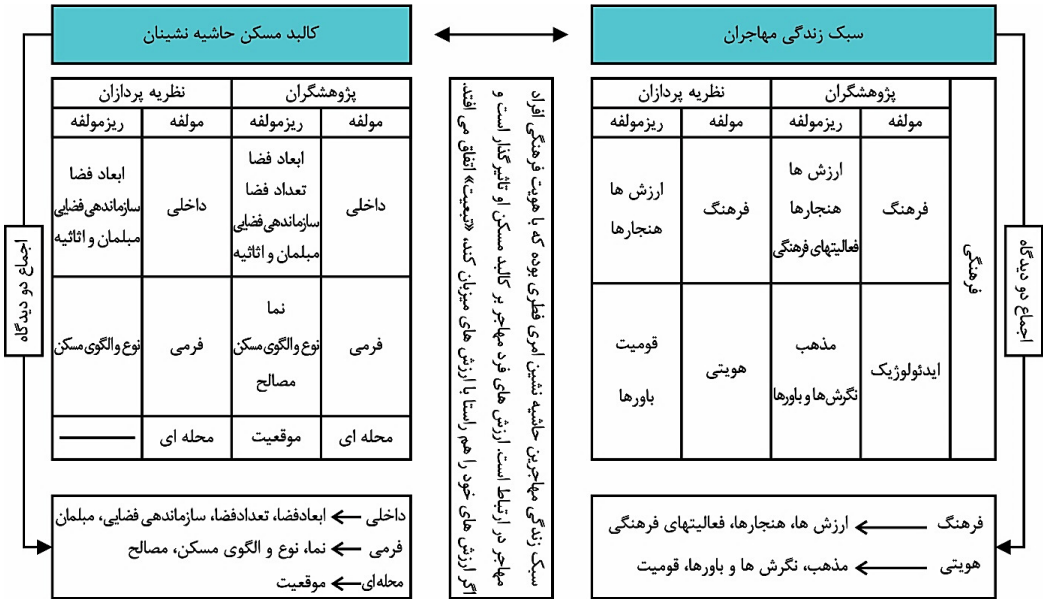

شکل ۴. مولفه‌های کالبد مسکن و سبک زندگی مهاجرین برآمده از ادبیات موضوع و چهارچوب فکری صاحبنظران فرهنگی

Figure 4. The components of physical housing and lifestyle of immigrants based on the literature and the opinion of cultural experts

در شکل ۴، مولفه‌های کالبدی مسکن ثابت بوده و تنها تغییر، در دیدگاه پژوهشگران و اندیشمندان سبک زندگی می‌باشد که معطوف به مولفه‌های فرهنگی شده اســـت. دیدگاه فرهنگی دو عامل فرهنگ و ایدئولوژی را از جمله موثرترین عوامل بر کالبد مسکن مهاجرین دانسته است. این عوامل بر خلاف مولفه‌های اجتماعی نمودی از ارزش‌ها و باورهای درونی مهاجرین اســـت. به این معنا که مهاجرین، معمولاً خانه‌هایی را می‌سازند یا انتخاب می‌کنند که با ارزش‌های آنان مطابقت داشـــته باشد. اگر فرد مهاجر برای رفع نیازهای خود و زندگی بهتـــر، ارزش‌های خود را با ارزش‌های جامعه میزبان همراستا کند، مفهوم «تبعیت» مطرح می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش در حیطه پژوهش‌های کیفی قرار دارد. گام اول مرور ادبیات موضوع با روش تحلیلی-توصیفی و مرور سیســـتماتیک با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. در گام دوم از مطالعات میدانی جهت بررســـی ارتباط ریز مولفه‌های دو مبحث سبک‌زندگی مهاجرین و کالبد مسکن در حاشیه شهر استفاده شده است. در این راستا؛ مصاحبه‌ای هدفمند جهـــت یافتن ارتباط ریزمولفه‌ها توســـط متخصصین دو حوزه معماری و جامعه‌شناسی بر اساس یافته های مرورسابقه موضوع و دیدگاه نظریه‌پردازان تنظیم گردید. جامعه متخصصین از افرادی انتخاب شـــده اســـت که در دفاتر بازآفرینی شهری و تســـهیلگری حاشیه شهر مشهد مشغول به کار هستند، چراکه این افراد بصورت مستقیم با مهاجران و افراد حاشیه‌نشین درگیر و براساس ارزیابی‌های علمی، خواسته‌ها، سبک‌زندگی و نوع معماری مسکن‌شان را مطالعه کرده‌اند. با توجه به اینکه در مصاحبه‌ها تمرکز بر روی دفاتر بازآفرینی شـــهر مشهد بوده است، ممکن است نتایج این پژوهش برای سایر شهرها قابل تعمیم نباشد. همان‌طور که در تطبیق ادبیات موضوع با دیدگاه نظریه‌پردازان ذکر شد، ۸ عامل ابعادفضایی، تعداد فضایی، ســـازماندهی فضایی، مبلمان، نما، مصالح، موقعیت، نوع و الگوی مسکن در کالبد مسکن حاشیه‌نشینان توسط مولفه‌ی سبک‌زندگی در چهار حوزه رفتاری، دموگرافیک، فرهنگ و ایدئولوژیک قابل تغییر و سازماندهی هستند. این ریزمولفه‌های استخراج شده، مبنای پرسش‌های مصاحبه قرار گرفته است. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و چون دیگر مفاهیم جدیدی یافت نمی‌شد با ۱۱ متخصص (۵ متخصص جامعه‌شناس و ۶ متخصص معمار) به پایان رســـید. سپس برای اثبات روایی مصاحبه هـــا از ثبت داده‌های غنی و برای اثبـــات پایایی آن از کدگذاری چندگانه استفاده شده اســـت. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده که در نهایت با استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

طبـــق مطالعات صورت گرفته، مولفه‌های کالبد مســـکن مهاجران در حاشیه‌شهر تغییراتی را در سه حوزه داخلی، فرمی و محله‌ای می‌طلبد که ناشی از سبک‌زندگی و میزان ابراز هویت آنها می‌باشد. سبک‌زندگی در قالـــب ۱۴ مولفه در چهار حوزه رفتـــاری (فعالیت‌ها، عادات، اوقات فراغت)، دموگرافیک (ســـاختار خانواده، جنســـیت، شغل، تحصیلات، عضویت در گروه‌ها)، فرهنگ (ارزش‌ها، هنجارها، فعالیتهای فرهنگی) و ایدئولوژیک (مذهب، نگرش‌ها و باورها، قومیت) بیان شـــد. دو حوزه دموگرافیک و رفتاری در بعد اجتماعی و دو حوزه فرهنگ و ایدئولوژیک در بعد فرهنگی هســـتند. نتایج بدست آمده به کمک تحلیل با نرم‌افزار MAXQDA در قالب جدول ۱ ارائه شـــده اســـت. با توجه به فراوانی هر مولفه در چهار حوزه سبک‌زندگی مهاجران، ریزمولفه‌های دو حوزه دموگرافیک و ایدئولوژیک جزو اولویت‌های متخصصین در تاثیرگذاری در مسکن حاشیه شهر می‌باشند.

جدول ۱. فراوانی مولفه‌های سبک زندگی مهاجران در چهار حوزه ایدئولوژیک، رفتاری، دموگرافیک و فرهنگی

Table 1. The frequency of the components of the immigrants' lifestyle in four areas: ideological, behavioral, demographic and cultural

Code System	مصاحبه 11	مصاحبه 10	مصاحبه 9	مصاحبه 8	مصاحبه 7	مصاحبه 6	مصاحبه 5	مصاحبه 4	مصاحبه 3	مصاحبه 2	مصاحبه 1	SUM
ایدئولوژیک												0
قومیت		1	2	5	1		1	2	2	3	1	18
نگرش ها و باورها	1	3	1	2	3	1		2	3	2	3	21
مذهب			2	2	1			2			2	9
رفتاری												0
فعالیت ها	1			2	3	1	3	1	2	2		15
عادات	1	1	1	2	2	1	3	1	3	2	2	19
اوقات فراغت		2		3	1			3		1	1	11
دموگرافیک												0
ساختار خانواده	2	2	4	4	2	2	3	1	2		1	23
جنسیت		1	1	1	1		1	1				6
شغل	2	6	4	5	4	2	2	3	1		2	31
تحصیلات					2					1		3
عضویت در گروه ها			1	2	1		2	2				8
فرهنگ												0
هنجارها		1	1	1	4		1		1			9
ارزش ها		1	1	3	4		1		1	1	1	13
فعالیت های فرهنگی	5			2	2	2			3			14
SUM	12	18	18	34	31	9	17	18	18	12	13	200

در حوزه دموگرافیک، شـــغل مهاجران با فراوانی ۳۱، بالاترین اهمیت را در تعیین الگوی مسکن حاشـــیه شهر داشته است. ساختار خانواده مهاجران نیز با فراوانی ۲۳، اهمیت نوع و ویژگی‌های زندگی خانوادگی در طول اقامت در مسکن را نشان می‌دهد و در اولویت بعدی قرار دارد. ســـایر مولفه‌های دموگرافیک شامل جنسیت، تحصیلات و عضویت در گروه‌ها از اهمیت کمتری در طراحی مســـکن حاشـــیه شهر برخوردار هستند. در حوزه ایدئولوژیک، متخصصان به ترتیب؛ مولفه‌ی نگرش‌ها و باورهـــای مذهبی را با فراوانی ۲۱ و قومیت با فراوانی ۱۸ را به‌عنوان مولفه‌های تاثیرگذار بر کالبد مســـکن حاشیه شهر اعلام نموده‌اند. در جدول ۲ تاثیر این دو حوزه بر کالبد مسکن حاشیه شهر ارائه شده است.

جدول ۲. فراوانی مولفه‌های کالبدی در هریک از مولفه‌های اولویت‌دار سبک زندگی مهاجران

Table 2. Frequency of physical components in each of the priority components of the immigrants' lifestyle

Code System	مصاحبه 11	مصاحبه 10	مصاحبه 9	مصاحبه 8	مصاحبه 7	مصاحبه 6	مصاحبه 5	مصاحبه 4	مصاحبه 3	مصاحبه 2	مصاحبه 1	SUM
ایدئولوژیک												0
قومیت												0
نوع و الگوی مسکن		1		1								2
تعداد فضا				1								1
موقعیت مسکن			1	1	1			1	1	1		6
ابعاد فضا				1						1		2
سازمان فضایی			1	1			1	1	1	1	1	7
نگرش ها و باورها												0
نما				1								1
ابعاد فضا		1							1	1		3
تعداد فضا		1			1				1		1	4
مبلمان و اثاثیه											1	1
سازمان فضایی	1	1	1	1	2	1		2	1	1	1	12
دموگرافیک												0
ساختار خانواده												0
تعداد فضا		1		1	1							3
سازمان فضایی	1		2	1		1	2					7
مبلمان و اثاثیه									1			1
ابعاد فضا	1	1		1		1			1			5
نوع و الگوی مسکن			2	1	1		1	1			1	7
شغل												0
سازمان فضایی	1		2	1	1	1	1				1	8
مبلمان و اثاثیه		1	1	1	1							4
نوع و الگوی مسکن	1	1			1	1	1	1				6
ابعاد فضا		2						1				3
موقعیت مسکن		1	1	2					1			5
تعداد فضا		1		1	1			1			1	5

در بحث کالبد مســـکن با توجه به یافته‌های مبحث ســـبک‌زندگی مشـــخص گردید که بیشـــترین تغییرات در دو حوزه دموگرافیک و ایدئولوژیک بر ســـازماندهی فضایی می‌باشـــد. حوزه دموگرافیک بوســـیله دو مولفه شـــغل و ســـاختار خانواده منجر به تغییر کالبد مســـکن در حاشـــیه شـــهر می‌شـــود. بنا به نظر متخصصان، شغل مهاجران در حاشـــیه شـــهر به دو صـــورت خانگـــی و غیرخانگی می‌باشـــد. در شـــغل‌های خانگـــی، مهاجران جهـــت کار در منزل نیازمند تفکیک فضایی می‌باشـــند و ترجیح آنها بر خانه‌هایی است که نیاز به افزایش تعداد فضا در آن کم‌رنگ‌تر شـــود (سازماندهی فضایـــی ۸) ولی در مشـــاغل غیرخانگی معمولا نیـــاز به فضاهایی برای قرارگیری ابزار کار در بدو ورود به خانه احســـاس می‌شـــود. لذا اهمیت حیاط دار بودن و الگوی مســـکن نمایان می‌شـــود (نوع و الگوی مسکن ۶).

در ســـاختار خانـــواده با توجه به گســـترده بودن زندگـــی خانوادگی مهاجران، وجود یک زندگی اشـــتراکی با استقلال نسبی و دارای حریم از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار اســـت (ســـازمادهی فضایی ۷). در این‌صورت برخی از فضاها مشـــترک و برخی بصـــورت جداگانه مورد اســـتفاده قرار می‌گیـــرد. لذا افراد میل دارند که نوع و الگوی مســـکن پاسخگوی این نیاز باشـــد (نوع و الگوی مسکن ۷). از طرفی تاثیر این حوزه بر سایر مولفه‌های کالبدی چندان تاثیرگذار نبوده است.

در حـــوزه ایدئولوژیک دو مولفه تاثیرگذار بر کالبد مســـکن، قومیت و باورهای مذهبی مهاجران بوده اســـت. بدین صـــورت که مهاجران هر قومیت بنا بر میل درونی خود برای تشـــکیل کلونی (گتو)، حاشیه‌ای را انتخاب می‌کنند که اقوام همســـان با خود در آن‌جا ســـاکن هستند (موقعیت مســـکن ۶). همچنین فضاهای داخلی مسکن را بنا بر اصول منتج از قومیت خود ســـازماندهی می‌کنند (ســـازماندهی فضایی ۷). میزان تفکیک فضایی یا میزان گشـــودگی و محصوریت فضا نســـبت بـــه نگرش‌ها و باورهای مذهبی آنها قابل تغییر و دارای اولویت اســـت (ســـازماندهی فضایی ۱۲)؛ تاثیر ســـایر مولفه‌های این حوزه بر کالبد مسکن بسیار ناچیز و کمتر از ۵ بوده است. در شکل ۵ که مرحله بعدی پژوهش اســـت، ارتباط این دو حوزه با کالبد مسکن در حاشیه شهر از طریق گراف‌ها و درصد فراوانی بیان شده است.

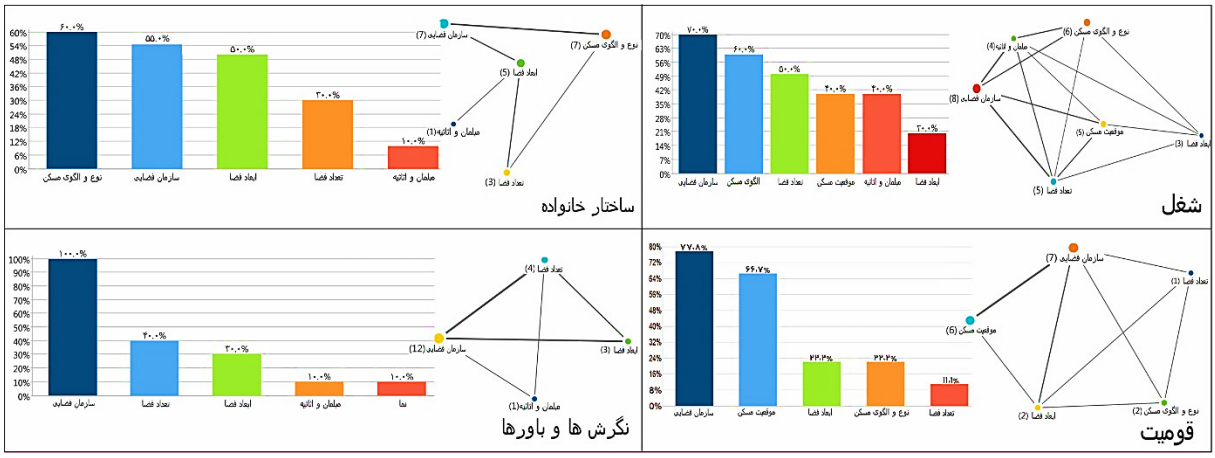

شکل ۵. درصد فراوانی و روابط میان مولفه‌های کالبدی در هر یک از مولفه های دارای اولویت سبک زندگی مهاجران

Figure 5. Percentage frequency and relationships between physical components in each of the priority components of the immigrants' lifestyle

در شکل بالا مولفه‌های کالبدی مسکن با فراوانی ۵۰ درصد به بالا به‌عنوان مولفه‌های تاثیرپذیر از سبک‌زندگی منتخب شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که شغل و ساختار خانواده مهاجران تاثیر فراوانی را بر سازماندهی فضایی و الگوی مسکن دارد. همانطور که در جدول ۲ گزارش گردید، در مولفه‌های شغل و ساختار خانواده که مربوط به بعد اجتماعی هستند، سازماندهی فضایی به‌گونه‌ای که افراد بتوانند هم حریم شخصی خود را حفظ کنند و هم در کنار خانواده باشند، بسیار مهم است. همچنین نوع و الگوی مسکن می‌تواند کیفیت بهتری از خانه را برای مهاجران ایجاد کند. این کیفیت در گرو توجه توامان به مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. مولفه قومیت که زیرمجموعه‌ای از بعد فرهنگی مهاجران است، سازماندهی فضایی و موقعیت مسکن را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهد که قومیت‌ها بیش ترین روابط را با یکدیگر برقرار کنند. این در حالی است که نگرش‌ها و باورهای مذهبی مهاجران تنها بر میزان تفکیک فضاها و سازماندهی آنها موثر است.

نتیجه گیری

نتایج نشان می دهد که دو عامل ساختار خانواده و شغل در بعد اجتماعی و دو مولفه قومیت و باورها در بعد فرهنگی جزو تاثیرگذارترین ابعاد سبک زندگی بر کالبد مسکن هستند که در ترجیحات مهاجران برای عملکرد بهتر مسکن در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا افراد بر حسب هویت اجتماعی و فرهنگی خود با خواسته‌های متفاوتی رو به رو می گردند. این خواسته‌ها وابسته به میزان «تبعیت» آنها از جامعه میزبان متغیر می‌باشد. اندیشمندان اجتماعی نمود «تبعیت» در کالبد مسکن را تحت تاثیر هویت اجتماعی مهاجران می‌دانند. بدین مضمون که فرد بدون تفکر مستقل، اعمال میزبان را پذیرفته و سعی در مشابهت خود با آنها دارد. لذا ساختار خانواده و شغل مهاجران می تواند تحت تاثیر جامعه میزبان قرار گیرد و بدین گونه بر سازماندهی فضایی و نوع و الگوی مسکن آنها در حاشیه شهر تاثیر گذارد. مهاجران براساس شغل‌های خانگی و ساختار گسترده خانواده خود نیازمند تفکیک فضایی هستند که برخی از فضاها را اشتراکی و در وسط پلان قرار دهد و درعین‌حال برخی از فضاها را با حریم بیشتر و مجزا سازماندهی کند. همچنین ترجیح بر خانه‌هایی از نوع حیاط‌دار می‌باشد تا دو نیاز کاهش جمعیت کودکان در منزل و وجود فضایی برای قرارگیری ابزار کار مشاغل غیرخانگی مانند مصالح یا فرغون رفع شود.

سازماندهی فضایی علاوه بر هویت اجتماعی، تحت تاثیر هویت فرهنگی افراد نیز تغییر می‌کند. از جایی که هویت فرهنگی مهاجران تحت تاثیر تبعیت قرار نمی‌گیرد، عموما سازماندهی فضایی در مسکن آنها بر اساس قومیت و باورهای مهاجران که فطری هستند، شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، مهاجران بر اساس قومیت خود، مکانی را برای مسکن انتخاب می‌کنند که نزدیک به هم‌قومی‌های خود باشد و به ندرت در میان سایر قومیت‌ها مسکن می‌گزینند. اما اگر همین قشر، هویت پنهان خود را نادیده بگیرد و تنها هویت عرفی را مدنظر قرار دهد، ممکن است تحت تاثیر جامعه در هر حاشیه‌ای از شهر مسکن‌گزینی کنند. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که میان دیدگاه‌های نظریه پردازان حوزه اجتماعی و فرهنگی، مولفه مشترکی به نام «تبعیت» یافت می‌شود که در کالبد مسکن تاثیرگذار است. در شکل ۶ مدل مفهومی مولفه‌های سبک زندگی مهاجرین و تاثیر آنها بر کالبد مسکن در حاشیه شهر مبتنی بر دیدگاه متخصصین این حوزه نشان داده شده است.

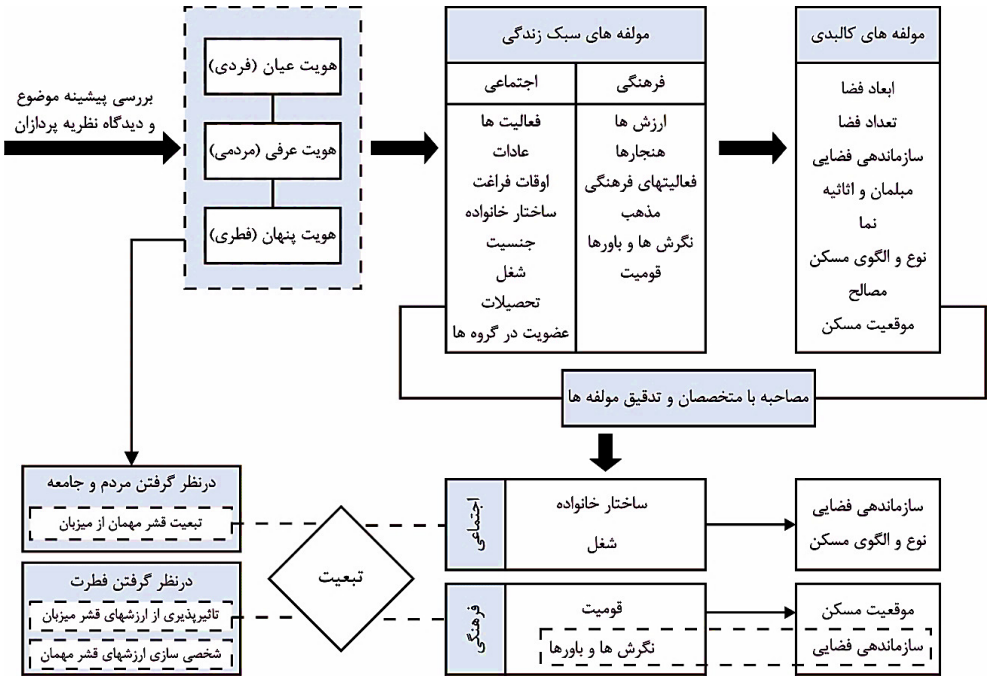

شکل ۶. مدل مفهومی مولفه‌های سبک زندگی مهاجران و تاثیر آن بر کالبد مسکن در حاشیه شهر با در نظر گرفتن سطوح هویتی

Figure 6. Conceptual model of the components of the immigrants' lifestyle and its impact on the housing in the physical suburbs taking into account the identity levels

با توجه به مطالب بیان شده، درنظر گرفتن لایه‌های هویتی در تبیین مولفه‌های سبک زندگی مهاجرین حاشیه نشین می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کالبد معماری مطرح گردد؛ که با توجه به اهمیت موضوع، نوآوری این پژوهش توجه به تاثیر لایه‌های هویتی در سبک زندگی و بررسی ارتباط میان سبک زندگی مهاجرین با مولفه‌های کالبدی مسکن حاشیه شهر است. به نظر می‌رسد واکاوی و تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی مهاجرین با توجه به لایه‌های هویتی آنها و تاثیر آن بر مسکن حاشیه شهر برای جامعه شناسان و معماران و دیگر محققان قابل توجه باشد. با انجام تحقیقاتی چون مصاحبه با قومیت‌های متفاوت مهاجران در شهرهای گوناگون، می‌توان به درک بهتری از تاثیر دوجانبه لایه‌های هویتی بر سبک زندگی مهاجرین حاشیه‌نشین دست یافت.

پی‌نوشت

۱. life style
۲. Giddens
۳. Tajfel
۴. Georges-Louis Leclerc de Buffon
۵. Adler
۶. Simmel
۷. Veblen
۸. Sobel
۹. Cheney
۱۰. Chapin
۱۱. Bourdieu
۱۲. Parsons
۱۳. Castells
۱۴. مناطق دایره‌ای برگس (Burgess) شامل یک مرکز شهر، یک منطقه انتقالی که در آن مهاجران و فقرا زندگی می‌کنند، یک منطقه طبقه کارگر، یک منطقه مسکونی طبقه متوسط و در نهایت، منطقه رفت و آمد می‌باشد (Antunano, 2020).
۱۵. Haug
۱۶. Clinard
۱۷. مسکن خودیار در مطالعه ترنر، مسکنی است که بر اساس نیازهای خانواده، متفاوت می‌شود (Pasta, 2020).
۱۸. Turner
۱۹. Rapaport
۲۰. Lewis
۲۱. Robert Park
۲۲. Susan Kent
۲۳. Durkheim
۲۴. Fuller & Waller

نقش نویسندگان

این مقاله برگرفته از رسالۀ دکتری نویسنده اول با عنوان: «راهبردهایی در راستای الگوی مسکن مهاجرین حاشیه‌نشین براساس سبک‌زندگی (نمونه موردی: شهرک گلشهر مشهد)» است که با راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد در حال انجام می‌باشد.

تقدیر و تشکر

پژوهش حامی مالی و معنوی نداشته است. از کمک‌های اساتید گرامی راهنما و استاد مشاور محترم در جهت انجام پژوهش فوق، تشکر و قدردانی به‌عمل می‌آید.

تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به‌طورکامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

فهرست مراجع

۱. اسمی جوشقانی، زهرا. (۱۳۹۹). نگاهی به اهمیت سبک‌زندگی در آموزش مطالعات اجتماعی. فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، ۲(۳) ، ۳۷-۴۹.

۲. اله دادی، نورالدین؛ و گودرزی، سعید. (۱۳۹۸). هویت و سبک زندگی: تعیین بخشی سبک‌زندگی بر هویت قومی و ملی، تهران: اندیشه احسان.

۳. ایازی، رعنا؛ ارمغان، مریم؛ و خوانساری، شیدا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو در مسکن معاصر (مطالعه موردی: زوج های جوان منطقه دو شهر قزوین). نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۲(۱۰)، ۱۷۷-۱۶۲.

۴. آتشین صدف، عبدالرضا؛ و خیری، محمد. (۱۳۹۹). بررسی فلسفی رابطه سبک زندگی، پول و مد از منظر جورج زیمل. دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش نامه سبک زندگی، ۶(۱۰)، ۶۷-۵۱.

۵. بایگانی، بهمن؛ ایراندوست، فهیم؛ و احمدی، سینا. (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی. مهندسی فرهنگی، ۸(۷۷)، ۷۴-۵۶.

۶. افشاری، محسن؛ و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۴، ۳-۱۶.

۷. توسلی، غلامعباس؛ و نورمرادی، سکینه. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران، مورد مطالعه منطقه چهار (خاک سفید). مجله علمی-پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۳)، ۷۹-۶۵.

۸. خورسندی، آتنا؛ ارسطو، بهروز؛ و صناعی، رضا. (۱۳۹۸). بررسی شاخص‌های کالبدی مسکن در توسعه سکونتگاه‌های شهری با استفاده از سیستم اطلاعات مکانی (مطالعه موردی شهر سمنان). کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور در برنامه‌ریزی، ۱۰(۳)، ۱۷-۱.

۹. رحیمی، لیلا؛ و عزیزی، طیبه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین کیفیت کالبدی مسکن و شاخص‌های امنیت تصرف در مناطق حاشیه‌نشین (موردشناسی: محله وکیل آباد شهر ارومیه). جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، ۷(۲۵)، ۲۲۲-۲۰۳.

۱۰. رشیدی طاشکوئی، احمد. (۱۳۹۸). هزینه های سربار حاشیه‌نشینی و مدیریت شهری. تهران: انتشارات سنجش و دانش.

۱۱. زارع شهامتی، مهسا؛ صحراگرد منفرد، ندا؛ و یزدانفر، سید عباس. (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای مسکن انعطاف‌پذیر منطبق با سبک‌زندگی (مطالعه موردی: استان تهران)، مجله هویت شهر، ۱۷(۱)، ۶۲-۴۹.

۱۲. زرافشانی، محمدعلی؛ طهماسبی، ارسلان؛ و بایزدی، قادر. (۱۴۰۰). بررسی آموزش معماری در دانشگاه های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۱۸۷-۱۷۵.

۱۳. غروی الخوانساری، مریم. (۱۴۰۰). واکاوی ریشه های تحول و نقد دوره دوم آموزش معماری در دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۵۹-۱۳۴۸). نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۶(۱)، ۶۸-۵۷.

۱۴. فدایی، مهدی. (۱۳۹۵). نسبت «سبک زندگی» و «معنای زندگی» در اندیشه آلفرد آدلر. دوفصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی، ۲(۳)، ۷۶-۶۵.

۱۵. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). گزیده جامعه‌شناسی. (حسن چاووشیان، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۶. نورائی، سمیه؛ فرکیش، هیرو؛ میرزاکوچک خوشنویس، احمد؛ تاجی، محمد؛ و مرادی نسب، حسین. (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های امرنمایشی در نسبت با فرهنگ و معماری (مبتنی بر آراء اندیشمندان انتقادی و غیرانتقادی). مجله هویت شهر، ۱۵(۲)، ۶۸-۵۹.

17. A. M. Al Husban, S., A. S. Al Husban, A., & Al Betawi, Y. (2021). The Impact of the Cultural Beliefs on Forming and Designing Spatial Organizations, Spaces Hierarchy, and Privacy of Detached Houses and Apartments in Jordan. Space and Culture, 24(1), 66–82. https://doi.org/10.1177/1206331218791934.
18. Amit, K., & Dolberg, P. (2023). Who do you think I am? Immigrant's first name and their perceived identity. Comparative Migration Studies, 11(6), 1-18. https://doi.org/10.1186/s40878-023-00328-1.
19. Antunano, E. (2020). From the "Horseshoe of Slums" to Colonias Proletarias: The Transformation of Mexico City's 'Housing Problem', 1930-1960. Comparativ, 30(1/2), 10-19. doi: 10.26014/j.comp.2020.01-02.06.
20. Awadelkarim, K.M. (2022). Towards Contemporary Traditional Housing Architecture: Investigating the Relationship between Culture and Traditional Housing Architecture in Aburouf. Faculty of Engineering and Technology: Selinus University of Sciences and Literature.
21. bahmani, S., hemati, R., moltafet, H., & Izadi jairan, A. (2019). Systematic Review of Studies on Slums (1996-2017). Social Welfare Quarterly, 18(71), 85-134. DOI:10.29252/refahj.18.71.3.
22. BATU, M., S. KOHNEHSHAHRI, F., & VARIŞLI, B. (2023). Iranian Migrants' Perceptions of Turkish and Iranian Culture: A Comparative Analysis with ZMET Technique. Turkish Review of Communication Studies, 42, 103-122. DOI: 10.17829/turcom.1122465.
23. Beamish, J., Carucci Goss, R., & Emmel, J. (2015). Lifestyle Influences on Housing Preferences. Housing and Society, ISSN: 0888-2746, 28(1), DOI: 10.1080/08882746.2001.11430459.
24. Bogorad, L., Ducker, A., Koch, C., & et al. (2016). Housing in the Evolving American Suburb. Washington: Urban Land Institute.
25. Brivio, F., & Vigano, A., & Paterna, A., & Palena, N., & Greco, A. (2023). Narrative Review and Analysis of the Use of "Lifestyle" in Health Psychology. International Journal of Environmental Research and Public Health, 20(5), 1-18. doi: 10.3390/ijerph20054427.
26. Buffon, L.G. (1872). Discours Prononce a l'Academie Française Par M. De Buffon Le Jour de Sa Reception Le 25 Aout 1753; J. Lecoffre: Paris, France.
27. Carling, J., Czaika, M., & Erdal, M. B. (2020). Translating migration theory into empirical propositions. Seven European Migration Research Institutes: QuantMig Project Deliverable 1.2.
28. Chandra, M.S., Nandapala, K., Weerasinghe, B., & Priyadarshana, G. (2020). An engineering approach towards the traditional beliefs in house construction. Asian Journal of Civil Engineering, 21(2), 367-380. https://doi.org/10.1007/s42107-019-00215-0.
29. Chen, H., Zhu, Z., Chang, J., & Gao, Y. (2020). The effects of social integration and hometown identity on the life satisfaction of Chinese rural migrants. Health and Quality of Life Outcomes, 18(171), 1-9. https://doi.org/10.1186/s12955-020-01415-y.
30. Coolen, H., & Ozaki, R. (2004). Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling, Research Institute for Housing. Urban and Mobility Studies Delft University of Technology. International Conference Adequate & Affordable Housing For All. (pp.1-14). University of Technology.
31. Cormos, V.C. (2022). The Processes of Adaptation, Assimilation and Integration in the Country of Migration: A Psychosocial Perspective on Place Identity Changes. Sustainability, 14(16), 1-20. https://doi.org/10.3390/su141610296.

32. De. Haas, H. (2021). A theory of migration: the aspirations-capabilities framework. Comparative Migration Studies, 9, 1-35. doi: 10.1186/s40878-020-00210-4.
33. Featherstone, M. (1991). Consunier Culture & Postmodernismn. London: Sage.
34. Giddens, A., Duneier, M., & P.Appelbaum, R. (2021). Introduction to Sociology, (12th Edition). New York: Norton.
35. Hojat, I., & Fallah, E. (2018). Family structure and housing Investigating the effect of family structure changes on houses' spatial organization (A case study of the houses of Yazd). Int. J. Architect. Eng. Urban Plan, 28(2), 149-162. DOI: 10.22068/ ijaup.28.2.149.
36. Iskander, N., & B Landau, L. (2022). The centre cannot hold: Arrival, margins, and the politics of ambivalence introduction to 'arrival at the margins', a special issue of migration studies. MIGRATION STUDIES, 10, 97–111. https://doi.org/10.1093/ migration/mnac018.
37. Jafaria, A., & Zabihi, H. (2021). The Effect of Culture on The Vernacular Houses in Northern Iran; Case Studies: Vernacular Houses in Babol and Babolsar. Armanshahr Architecture & Urban Development, 14(35). DOI: 10.22034/ AAUD.2020.179004.1856.
38. Jansen, S.J.T. (2020). Urban, suburban or rural? Understanding preferences for the residential environment. Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability, 13(2), 213-235. https://doi.org/10.1080/17549175. 2020.1726797.
39. Jayasudha, P., & Marcel Nisha, T. (2016). Cultural Expressions In Architecture – A Case Of Manapad In The Coastal Stretch Of Tuticorin. IOSR Journal of Mechanical and Civil Engineering (IOSR-JMCE), 13(5), 14-20. DOI:10.9790/1684-1305031420.
40. KELLY, T. (2021). EVOLUTION OF THE TRADITIONAL TURKISH HOUSE. Structural Studies, Repairs and Maintenance of Heritage Architecture XVII PI-63, WIT Transactions on The Built Environment, 203, 1-13.
41. Kirtiklis,K.(2017).ManuelCastellstheoryofinformation society as media theory. LINGUA POSNANIENSIS, 1, 65-77. DOI:10.1515/linpo-2017-0006.
42. Kurtz, D.V. (2014). Culture, poverty, politics: Cultural sociologists, Oscar Lewis, Antonio Gramsci. Critique of Anthropology, 34(3), 327–345. https://doi.org/10.1177/0308275X14530577.
43. Malecka, A., Mitręga, M., & Pfajfar, G. (2022). Segmentation of collaborative consumption consumers: Social identity theory perspective. International Journal of Consumer Studies, 46, 2445 – 2465. DOI:10.1111/ijcs.12798.
44. Mehri, S., Soheili, J., & Zabihi, H. (2020). The Impact of Lifestyle on Spatial Relations of Aristocratic Qajar Houses in Mazandaran and Golestan. Space Ontology International Journal, 9, 47- 64.
45. Minneapolis, M.E. (2016). Communication in the Real World An Introduction to Communication Studies, USA: Minnesota.
46. Morrison, P.S., & McMurray, S. (1999). The Inner-city Apartment versus the Suburb: Housing Sub-markets in a New Zealand City. Urban Studies, 36(2), 377-397. DOI: 10.1080/0042098993655.
47. Niazi, M., Afra, H., Nejadi, A., & Sakhaei, A. (2019). Meta-Analysis of the Relationship Between Cultural Capital and Lifestyle. Journal of Applied Sociology, 29, 1-20.
48. Ormerod, R. (2020). The history and ideas of sociological functionalism: Talcott Parsons, modern sociological theory, and the relevance for OR. Journal of the Operational Research Society, Taylor & Francis Journals, 71(12), 1873-1899. doi: 10.1080/01605682.2019.1640590.

49. OZTURK, S. (2020). PIERRE BOURDIEU'S THEORY OF SOCIAL ACTION. HABITUS Toplumbilim Dergisi HABITUS Journal of Sociology, 1, 63-78.
50. Pasta, F. (2020). What we learned from John F. C. Turner about the informal city. Domus MAGAZINE.
51. Peng, J., Strijker, D., & Wu, Q. (2020). Place Identity: How Far Have We Come in Exploring Its Meanings?. Front. Psychol, 11(294), 1-19. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00294.
52. Shafipour Yourdshahi, P., Kiani, M., Hamzeloo, S., & Moazemi, M. (2023). The Influence of "Culture from Rappaport's Viewpoint" on "Mental Image" and Examining the Role of this Influence on the Formation of the Environment. ARMANSHAHR Architecture & Urban Development, 15, 103-118. DOI: 10.22034/AAUD.2023.294858.2508.
53. Simmel, G. (2020). Georg Simmel: Essays on Art and Aesthetics, Chicago: University of Chicago Press.
54. UYAR, G., & GRIFFITHS, S. (2017). A CONFIGURATIONAL APPROACH TO VERNACULAR DOMESTIC ARCHITECTURE 'Traditional' Houses in Turkey, Japan and Britain. Proceedings of the 11th Space Syntax Symposium. January, (1-16). Portugal: Departamento de Engenharia Civil.
55. Varmaghani, H., & Soltanzadeh, H. (2020). Analysis of lifestyle and Types of Rural Housing in the Historical Geography of Mazandaran (19th and 20th centuries). Int. J. Architect. Eng. Urban Plan, 30(2), 222-235. DOI: 10.22068/ijaup.30.2.222.
56. Verkuyten, M., Wiley, S., Deaux, K., & Fleischmann, F. (2019). To Be Both (and More): Immigration and Identity Multiplicity. Journal of Social Issues, 75(2), 390-413. https://doi.org/10.1111/josi.12324.
57. Wilska, T.A. (2002). Consumption, Identities and Lifestyles in Today's Finland. Acta Sociologica, 45(3), 195-210.
58. Zarrabi, M., Yazdanfar, S.A., & Hosseini, S.B. (2021). Systematic Review of Research Trends in Lifes tyle and Housing. International Journal of Architecture and Urban Development, 11(4), 5-16. DOI: 10.30495/IJAUD.2021.17398

© 2024 by author(s); Published by Science and Research Branch Islamic Azad University, This work for open access publication is under the Creative Commons Attribution International License (CC BY 4.0). (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)